

تسهیلگرهای نهاده‌سازی فرهنگ از منظر قرآن

وحدید وثوقی‌راد / استادیار گروه مدیریت اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

vahid.oghi@gmail.com
v-naghipoor@qom.ac.ir
mtnoroz@yahoo.com

 orcid.org/0000-0003-4617-1166

ولی‌الله نقی‌پورفر / دانشیار گروه معارف دانشگاه قم

محمدتقی نوروزی / استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی



دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

چکیده

یکی از مسائل پیش‌روی کارگزاران و متولیان امور در حوزه‌های حاکمیتی، نهاده‌سازی باورها، ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های نظام حاکم است. از این‌رو، یکی از وظایف اصلی پژوهشگران حوزه علوم انسانی اسلامی تبیین نظری و طراحی الگوهای متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است. هدف اصلی این تحقیق بررسی «تسهیلگرهای نهاده‌سازی فرهنگ از منظر قرآن» به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های اصلی الگوی مدنظر است. در این تحقیق از روش «تدبیر در قرآن» (نقلی و حیانی) با توجه به راهبرد ظاهرشونده «داده‌بنیاد» استفاده شده است. یافته‌ها نشانگر آن است که «نهاده‌سازی از منظر قرآن فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان، و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند». متناسب با تعریف مذکور، در صورتی که کارگزاران وظایف خود را در فرایند نهاده‌سازی انجام دهند و در جهت نهاده‌سازی مثبت حرکت کنند، کمک‌ها و امدادهای الهی در قالب سنت هدایت به‌منزله تسهیلگرها در دو سطح فرانسائی و انسانی نصیبشان خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تسهیلگر، نهاده‌سازی، فرهنگ، رویکرد اسلامی.

هدف اصلی از انقلاب اسلامی مطابق قانون اساسی ج.ا.ا. ایجاد نظامی بر پایه ایمان به خدا و اختصاص حاکمیت به او و لزوم تسلیم در برابر اوامر خداوند است (قانون اساسی، اصل دوم). در حقیقت وحی الهی و ارزش‌های والای اسلامی در بیان قوانین و چگونگی اداره جامعه نقش بنیادین دارند. از این رو، تمام ارکان تشکیل‌دهنده نظام مقدس جمهوری اسلامی باید در همین راستا حرکت کنند و سازمان‌ها و نهادهای دولتی بازوان اصلی تحقق ارزش‌های اسلامی و زمینه‌ساز حرکت جامعه به سوی ارزش‌ها به‌شمار می‌روند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۳۴۵).

پس در گام اول، مسئولان حاکمیتی در سطوح گوناگون باید تلاش کنند که فرهنگ حاکم بر سازمان‌های تحت نظارت آنها برگرفته از ارزش‌های اسلامی باشد. با این حال، در عمل مشاهده می‌کنیم که با وجود گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی آن‌گونه شایسته و بایسته است به ارزش‌های اسلامی توجه نشده و یا اگر در مقاطعی به ارزش‌ها توجه شده تلاش برای نهادهای سازی آنها انجام نگرفته است.

یکی از علل اصلی این موضوع نبود الگوی اسلامی نهادهای سازی و ناآشنایی کارگزاران حاکمیتی با وظایف خود در این زمینه است. در ادبیات رایج، الگوها و نظریات متفاوتی در موضوع نهادهای سازی وجود دارد که غالباً برگرفته از مبانی و پیش‌فرض‌های غربی است. با توجه به تأثیر مبانی و پیش‌فرض‌ها در نظریه‌ها و الگوها، یکی از وظایف اصلی پژوهشگران علوم انسانی - اسلامی فعال در حوزه‌های علمی مرتبط (مدیریت، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم سیاسی) با نهادهای سازی، تبیین نظری و طراحی الگوهای متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است. نکته مهم دیگری که باید بدان توجه داشت این است که «نهادهای سازی» یک برساخته پیچیده است که مشتمل بر مبانی، مفاهیم، لوازم، راهبردها، وظایف حاکمیت، فرایند، نتایج و مانند آن است و یک مفهوم یا واژه بسیط نیست که با واژگان قرآنی مقایسه شود. از این رو، ارائه الگوی کاملی از نهادهای سازی با رویکرد قرآنی نیازمند یک تحقیق مسووط و استخراج چارچوب‌ها و مؤلفه‌های اصلی است. در یکی از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، ابعاد گوناگون الگوی نهادهای سازی از منظر قرآن بررسی شده است (ر.ک: وثوقی‌راد، ۱۳۹۷). نتیجه به‌دست‌آمده استخراج الگوی نهایی نهادهای سازی از منظر قرآن است که مؤلفه‌های اصلی آن عبارتند از:

۱. ماهیت و مفهوم «نهادهای سازی» از منظر قرآن (وثوقی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷)؛
۲. راهبرد اصلی حکومت در نهادهای سازی فرهنگ از منظر قرآن (وثوقی‌راد و همکاران، ۱۴۰۱ الف)؛
۳. وظایف حاکمیت در نهادهای سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
۴. الزامات نهادهای سازی فرهنگ از منظر قرآن (وثوقی‌راد و همکاران، ۱۴۰۱ ب)؛
۵. تسهیلگرهای نهادهای سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
۶. مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن در نهادهای سازی فرهنگ از منظر قرآن (وثوقی‌راد و نقی‌پورفر، ۱۴۰۰ ق)؛
۷. محتوای نهادهای سازی از منظر قرآن؛
۸. فرایند نهادهای سازی از منظر قرآن.

این مقاله مؤلفه «تسهیلگرهای نهادهای فرهنگی از منظر قرآن» را به‌مثابه یکی از این مؤلفه‌های اصلی الگو بررسی می‌کند. برای اجرایی ساختن این رویکرد، پیمودن چند گام اساسی ضروری است:

در گام نخست باید ماهیت و مفهوم «نهادهای فرهنگی» در ادبیات رایج روشن شود تا بتوان با تصویر واقعی آن را به منابع اسلامی عرضه نمود.

در گام بعدی شناسایی و مشخص نمودن مفاهیم مترادف و یا نزدیک به مفهوم «نهادهای فرهنگی» در قرآن کریم برای ارائه تعریفی متناسب با مبانی اسلامی ضروری است.

در گام آخر با توجه به مفهوم‌شناسی مذکور، باید تسهیلگرهای نهادهای فرهنگی از منظر قرآن بیان شود. در ادامه - به ترتیب - گام‌های مزبور تبیین خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قبل از ورود به بحث، ضرورت دارد ارتباط بین نهادهای فرهنگی و نهادگرایی تبیین شود: «نهادهای فرهنگی» عبارت است از: «تدارک و فراهم کردن زمینه‌هایی که موجب پایداری، ثبات، تداوم و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب شود» (قلی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۲۳). در حقیقت در ایجاد نهادها، سازوکارهایی که برای ایجاد نهاد و تثبیت محتوا به کار برده می‌شود اهمیت ویژه‌ای دارد. نظریه‌های نهادی، چه در سطح سازمان و چه در سطح کلان در درون خود، بیانگر سازوکار اصلی به‌کارگرفته‌شده در فرایند نهادهای فرهنگی هستند.

لورنس و همکاران چهار سازوکار نفوذ، فشار (خشونت)، انضباط و تسلط را به‌منظور نهادهای فرهنگی نام برده‌اند (لورنس و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۶۳۰). هریک از این سازوکارها دربردارنده اصول حاکم بر نظریه‌های نهادی در سطح سازمان است.

در این نوشتار ارتباط بین نهادهای فرهنگی و نهاد در همین موضوع است. در حقیقت نتیجه نهادهای فرهنگی با سازوکار اصلی خود در ایجاد نهاد متبلور می‌شود.

از واژه‌های «نهاد» و «نهادهای فرهنگی» با توجه به دیدگاه‌های متفاوت، تعاریف متعددی ذکر شده و این هم به‌سبب وجود دیدگاه‌های متفاوت نسبت به دوره نهادی است. از این رو، باید به این نکته توجه داشته باشیم که در بررسی نهادهای فرهنگی، توجه به الگوهای متفاوت و در نظر گرفتن آنها امری ضروری است. با مراجعه به ادبیات مرتبط با این موضوع، بین گروه‌ها و تاریخ، وجوه مشابهی وجود دارد؛ ولی در جزئیات اختلاف‌های زیادی را می‌بینیم. ریچارد اسکات در مقاله خود با عنوان «دوره رشد کامل نظریه نهادی» با توجه به مطالعات نظریه‌پردازان، نظریه نهادی را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و با همین هدف، تحقیقات تجربی در این زمینه را درباره انواع بحث‌هایی که به‌تازگی درباره رابطه عوامل نهادی با ساختار سازمانی و عملکرد انجام شده بررسی کرده است (اسکات، ۱۹۸۷؛ اسکات، ۲۰۰۹، ص ۲۱۵). وی به‌صورت گذرا چهار الگوی جامعه‌شناسی ارائه می‌نماید که ارائه‌کننده‌های این الگوها هرکدام مدعی هستند که همواره نهاد را در کانون توجه قرار داده‌اند (اسکات، ۱۹۸۷).

الگوی نهادینه‌سازی فرایندی برای تلفیق ارزش‌ها

در این الگو منظور از «نهادینه‌سازی» چیزی جز یک فرایند سازگاری با محیط نیست. به عبارت دیگر، «نهادینه‌سازی» یعنی تلفیق ارزش‌ها در سطحی بالاتر از الزامات یا شرایط و نوع کاری که در حال انجام شدن است» (سلزنیک، ۱۹۵۷، ص ۱۷).

در الگوی سلزنیک بر اهمیت تاریخ تأکید می‌شود؛ یعنی «تاریخ طبیعی» سیر تکامل یک موجود زنده که با گذشت زمان همواره خود را با شرایط در حال تغییر وفق می‌دهد. طبق اظهارنظر پرو (پرو، ۱۹۸۶، ص ۱۵۷)، برای تجزیه و تحلیل نهاد باید کل سازمان را تجزیه و تحلیل کرد. با در نظر گرفتن ویژگی «ارگانیسم» سازمان اگر بخواهیم عدالت رعایت شود باید سازمان را در قالب یک کل مدنظر قرار دهیم.

الگوی نهادینه‌سازی فرایندی برای خلق واقعیت

دومین و سومین الگوی نظری بیشتر مدیون آثار پیتر برگر است. کامل‌ترین و اثرگذارترین دیدگاه برگر درباره نهادینه‌سازی را باید در اثری مشاهده نمود که با نویسنده دیگری به نام لاکمن منتشر کرد و پرسش اصلی در این اثر عبارت است از اینکه «ماهیت و منشأ نظم اجتماعی چیست؟» (اسکات، ۱۹۸۷)

بحث اصلی این است که نظم اجتماعی بر پایه یک واقعیت مشترک اجتماعی قرار دارد و آن هم به‌نوبه خود، چیزی جز ساخته دست بشر نیست که در سایه روابط متقابل اجتماعی به وجود می‌آید. در این دیدگاه، به این واقعیت توجه می‌شود که مرد یا زن، به‌مثابه یک موجود زنده در الگوی فطری با محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده کمی روبه‌رو می‌شود؛ ولی همین محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده در قالب نظم اجتماعی به وجود می‌آید (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱، ص ۶۹-۷۰).

برگر و لاکمن همانند سلزنیک بر ضرورت به‌کارگیری دیدگاه تاریخی تأکید دارند. از منظر آنها، نهادینه‌سازی مستلزم گذر از سه مرحله یا سه مقطع زمانی است: برون‌گرایی (Externalization)، عینیت‌گرایی (Objectivation) و درون‌گرایی (Internalization). ما و همکاران دست به عمل می‌زنیم (برون‌گرایی)، ولی هر دوی ما این عملیات را به‌منزله یک واقعیت خارجی و جدا از خود تفسیر می‌کنیم (عینیت‌گرایی). گذشته از این، ما این دنیای عینی را به درون‌گرایی تبدیل می‌نماییم؛ یعنی درصد برمی‌آییم ساختار ذهنی از نوع آگاهی را مشخص نماییم (نهادینه شدن) (ووتنو، ۱۹۸۴، ص ۳۹).

مایر و روئان در مقاله مشهور خود با نام «سازمان‌های نهادینه‌شده: ساختار رسمی بمانند آداب و رسوم» درباره سازمان‌های نهادینه‌شده، از دیدگاه برگر و لاکمن حمایت کردند و آن را تأیید نمودند. از منظر ایشان، نهادینه‌سازی مستلزم فرایندهایی است که در آن فرایندهای اجتماعی در قالب تعهدات یا آنچه درواقع انجام می‌شود به‌صورت عمل و اندیشه اجتماعی و مبتنی بر بستر نظام صورت می‌گیرد (مایر و روئان، ۱۹۷۷، ص ۳۴۱).

زاگر نیز همین صدا را منعکس کرد و بر این دیدگاه تأکید نمود که سازمان دارای شکل نهادینه شده است. او بر «شکل نهادینه‌شده سازمان» تأکید زیادی نمود (زاگر، ۱۹۸۸، ص ۱).

ساختارهای نهادی به مثابه یک طبقه از عناصر

در دیدگاه سوم از «نظریه نهادی» بر این موضوع تأکید می‌شود که ساختارهای اعتقادات نهاده شده به صورت طبقه متمایزی از عناصر درمی‌آیند که می‌توان براساس آنها ساختار سازمانی را توضیح داد. در این دیدگاه به جای تأکید بر ویژگی‌های ساختار اعتقادات عمومی، بر گونه‌ای از منابع یا مجموعه‌ای از احکام یا دستورات بی‌طرفانه و منطقی تأکید می‌شود که می‌توان به وسیله آنها هدف‌های گوناگون اجتماعی را شناسایی کرد و برای تأمین آنها از روش‌های مناسبی که مشروعیت می‌یابد، استفاده نمود (مایر و روئان، ۱۹۷۷، ص ۳۴۳). در این دیدگاه منابعی را «نهاده‌ها» می‌نامند که وجود و اثربخشی آنها در معیار و شاخصی قرار دارد که ورای اختیارات سازمان یا فرد مشارکت‌کننده قرار می‌گیرند.

بر همین مبنا/اسکات و مایر «محیط فنی» را این‌گونه تعریف کردند: آنچه در درون آن کالا یا خدمتی در بازار تولید می‌شود و دادوستد می‌گردد، به گونه‌ای که سازمان‌ها به سبب اعمال کنترل اثربخش و کارایی در فرایند انجام کارها به انجام صحیح آنها پاداش می‌دهند (مایر و اسکات، ۱۹۸۳، ص ۱۴۰).

نهاد به منزله یک حوزه متمایز اجتماعی

مقصود از «نهاد اجتماعی» یک نظام نسبتاً بادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل سازمان یافته در جامعه است که در زمینه‌های گوناگون در درون نظام اجتماعی (مذهب، کار، خانواده و سیاست) انجام می‌شود. در بیشتر این تعریف‌های سنتی، نهاد اجتماعی از این زاویه مدنظر قرار می‌گیرد که از یک سو، نظام‌های نمادین (هنجاری و شناختی) و از سوی دیگر، نظام‌های رفتاری هستند و بر مسئله تداوم و ثبات به منزله یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده تأکید می‌شود (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۹). برای مثال هیوز در بحث خود اینچنین می‌گوید:

معمولاً واژه «نهاد» درباره ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی به کار برده می‌شود که دوام آن بیش از نسل‌های زنده است و یا می‌توان در برابر تغییرات اجتماعی - که انتظار می‌رود به هستی آنها پایان دهد - مقاومت نماید و به حیات خود ادامه دهد... انسان‌ها دوست دارند راه برایشان مشخص شود. تردیدی نیست که سایر حیوانات هم تمایل مشابهی دارند. ولی تنها انسان است که تعداد زیادی از شیوه‌های رفتاری را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند، و فقط انسان است که برای این نوع رفتار خود دلیل‌هایی ارائه می‌نماید و به آنها ارجح می‌دهد و برای قدمت آنها ارزش قائل می‌شود (هیوز، ۱۹۳۹، ص ۲۸۳).

بحث هرتزل درباره نهادهای اجتماعی نیز اثرهای مهمی بر جای گذاشت. او هنگام بیان این مطلب بر مضمون و درون‌مایه این دیدگاه تأکید کرد. وی بر اهمیت جنبه‌های خارجی ماهیت الگوهای نهاده شده که دارای نقشه قدیمی و سرنوشت‌ساز هستند، تأکید زیادی نمود (هرتزل، ۱۹۶۱، ص ۸۴).

در جدول (۱)، خلاصه‌ای از الگوهای چهارگانه «نظریه نهادی» ارائه خواهد شد:

جدول ۱: خلاصه الگوهای چهارگانه نظریه نهادی

نظریه	نظریه پرداز	خلاصه نظریه
تلفیق ارزش‌ها	فیلیپ سلزینگ	انسان می‌تواند دنیایی را به وجود آورد و سپس او می‌تواند آن را به‌عنوان چیزی غیر از دستاورد یا محصول انسان تجربه نماید.
خلق واقعیت	پیتر برگر	افراد یک تعریف مشترک از واقعیت اجتماعی را می‌پذیرند؛ مفهومی که اعتبار آن مستقل از دیدگاه‌ها و عملیات شخصی فرد است.
یک طبقه از عناصر	مایر و روان	سازمان‌ها مجموعه‌ای از اعتقادات یا باورهای نهادینه‌شده را می‌پذیرند، البته نه بدان سبب که آنها به‌صورت «واقعیت» و یا یک فرض مسلم درآمده‌اند، بلکه بدان سبب که سازمان با چنین اقدامی به پاداش نیکو دست می‌یابد.
یک حوزه متمایز اجتماعی	هیوز	مقصود از «نهاد اجتماعی» یک نظام نسبتاً پادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل سازمان‌یافته در جامعه است که در زمینه‌های گوناگون در درون نظام اجتماعی (مذهب، کار، خانواده و سیاست) انجام می‌شود.

ره‌توشه: نکته کانونی در تمام چهار الگوی بیان شده که می‌تواند نقطه اشتراک همه آنها باشد عبارت است از: معنا و مفهوم نهادینه‌سازی که تقریباً براینده همه آنها ایجاد، تداوم، ماندگاری و تثبیت است، چه خلق ارزش یا واقعیت باشد و یا طبقه‌ای از عناصر و یا یک حوزه اجتماعی متمایز. آنچه مسئله اصلی این بخش به‌شمار می‌آید عبارت است از: تبیین معنا و مفهوم «نهادینه‌سازی». به عبارت دیگر، یکی از مسائل مهمی که باید در مطالعات اسلامی به دنبال پاسخ‌گویی به آن باشیم، در پاسخ به سؤال ذیل نهفته است:

واژگان و یا مفاهیم متناسب با مفهوم «نهادینه‌سازی» در ادبیات اسلامی چیست؟

روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق روش «تدبر در قرآن» (نقلی - وحیانی) است. روش «نقلی - وحیانی» ناظر به منبع نقلی وحیانی (کتاب و سنت) روشی اجتهادی است و ابزارهای مستقیم (عقل مصباحی، حس و تجربه و قلب) و غیرمستقیم (ادبیات عرب، علم اصول و مانند آن) در استنباط از قرآن، سنت و ملحقات سنت را دربرمی‌گیرد و مهم‌ترین روش اجتهاد در تفکر اسلامی به‌شمار می‌آید (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۹).

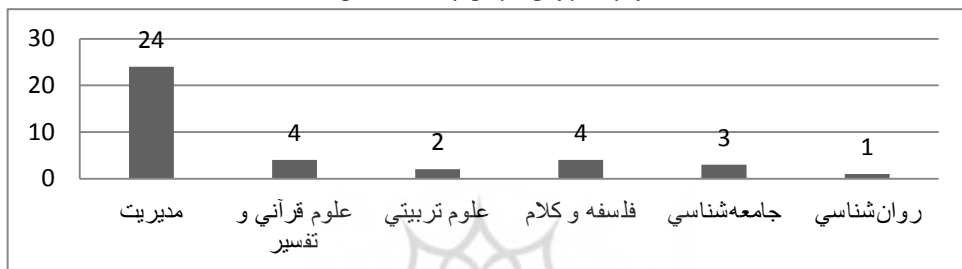
جهت‌گیری پژوهش حاضر «بنیادی» و در زمره پژوهش‌های «کیفی» است و از میان انواع راهبردهای پژوهش کیفی، از راهبرد «داده‌بنیاد ظاهرشونده» و برای استخراج کلیه داده‌ها از روش «دلفی» استفاده کرده است. چون در فرصت محدود مقاله امکان بررسی نگاه قرآن و روایات اسلامی، به‌ویژه به سبب گستردگی متون روایی به‌طور همزمان امکان‌پذیر نیست، نویسندگان در این مقاله به‌طور خاص بر قرآن کریم به‌عنوان اصیل‌ترین و موثق‌ترین متن اسلامی تمرکز دارد. برای رسیدن به این هدف چند گام اساسی و پی‌درپی برداشته شد که در ذیل فقط به عناوین اصلی آنها اشاره می‌شود:

انتخاب کلیدواژه محوری

با توجه به اینکه در ادبیات قرآنی واژه‌های مترادف با مفهوم «نهادهای فرهنگی» یافت نشد، با انجام مصاحبه‌های متعدد و جمع‌آوری نظرات خبرگان و مراجعه به متون، واژه‌های مترادف و هم‌معنا با نهادهای فرهنگی احصا گردید و بعد از بررسی آنها واژه «تثبیت» انتخاب شد. با توجه به تخصصی بودن پرسشنامه، خبرگان منتخب دارای ویژگی‌های ذیل بودند:

۱. همه خبرگان تحصیلات حوزوی در سطوح بالا داشتند.
۲. علاوه بر تخصص حوزوی، در یکی از رشته‌های مرتبط دارای مدرک دکتری بودند.
۳. دو تن از خبرگان در میان حوزویان مشهور به اجتهاد هستند (آیت‌الله رجبی و آیت‌الله فیاضی).

نمودار ۱: فراوانی خبرگان از حیث تخصص



کلیدواژه «تثبیت» به صورت جداگانه در دو کتاب تفسیر نمونه و فرهنگ قرآن در «کتابخانه الکترونیک نور» بررسی گردید.

شکل ۱: نمایی از رمزهای مستخرج از «فرهنگ قرآن»

ردیف	صفحات	تعداد کدهای استخراج شده
34	صفحات (1) ام	34
35	صفحات (3) اصلاح حذف	35
36	صفحات (1) اصلاح حذف	36
37	صفحات (1) اصلاح حذف	37
38	صفحات (1) اصلاح حذف	38
39	صفحات (1) اصلاح حذف	39
40	صفحات (1) اصلاح حذف	40
41	صفحات (0) اصلاح حذف	41
42	صفحات (2) اصلاح حذف	42

صفحات ارجاعی از کتاب

کدهای استخراج شده

تعداد کدهای مستخرج از فرهنگ قرآن

شکل ۲: نمایی از رمزهای مستخرج از «تفسیر نمونه»



بارگذاری رمزها بر روی نرم افزار

شکل ۳: نمونه هایی از رمزگذاری اولیه مستخرج از مطالعه کل قرآن در نرم افزار «اطلس تی آی»



رمزگذاری باز با مطالعه کل قرآن

رمزهای استخراج‌شده از دو کتاب فرهنگ قرآن و تفسیر نمونه به انضمام رمزهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و پیشنهادهای خبرگان با استفاده از نرم‌افزار «اطلس تی آی» بر روی متن قرآن شریف بارگذاری شد که مجموع آنها به ۱۷۹ رمز رسید. آنچنان که در شکل (۴) نشان داده شده، تمام این رمزها برآیند نظر خبرگان و مراجعه به دو کتاب فرهنگ قرآن و تفسیر نمونه است. از این رو، دارای پشتوانه‌ای بسیار قوی است. می‌توان ادعا کرد که چارچوب اصلی کار نیز بر روی همین ۱۷۹ رمز بسته شده و تلاش محقق بر این بوده که طی مطالعه قرآن کریم آنها را در نظر بگیرد (وثوقی‌راد و دیگران ۱۳۹۷).

شکل ۴: نمای از رمزهای اولیه و ویژگی‌های آنها در نرم‌افزار «اطلس تی آی»

کدها همراه با رنگ‌های مشخص شده

Name	Frequency	Density	Groups
کارگزار، ویژگی، تصور در برابر گفته دشمنان	2	0	[کارگزار و ویژگی ها و وظایف]
نشانه ایمان، خشوع	1	0	[نشانه های ایمان]
...قرآیند؛ مراقبت در تقوی که شرط هدایت یافتن ا	2	0	[هدایت] [نشانه ایمان؛ تقوی، مباحث مربوطه]
قرآیند؛ استقامت	21	0	[مراحل؛ استقامت]
...قرآیند؛ تشویق به حرکت در راه هدف؛ توجه دادن ب	1	0	[مکانیسمها و روشهای نهادینه‌سازی] [مراحل؛ تقویت]
~ عوامل تثبیت آوردن بینة	1	0	[مکانیسمها و روشهای نهادینه‌سازی] [عوامل تثبیت ایمان] [استدانات نهادینه سازی]
نتیجه نهادینه شدن ارزشها؛ راهیابی به مسیر رشد	3	0	[نتایج نهادینه سازی الهی]
~ نتیجه؛ کور کو و لال	2	0	[نتایج نهادینه سازی شیطان]
قرآیند؛ تفکر	41	0	[داشتم]
کارگزار، ویژگی، خودسازی	2	0	[بطایف]
نتیجه نهادینه شدن ایمان؛ رستگاری	3	0	[نتایج]
امکان تزلزل ایمان بعد از تثبیت	14	0	[تزلزل]
نتیجه؛ ایمان؛ ارب بردن بهشت و جاودانگی در آن	5	0	[نتایج نهادینه سازی الهی]
آگاهی؛ روش؛ تلاوت؛ قصص قرآنی	1146	0	[مکانیسمها و روشهای نهادینه‌سازی] [مراحل؛ تلاوت]

تعداد ارجاعات کدها به متن قرآن

تعداد کدهای مستخرج در این مرحله

Comment: Edited 02/06/1396 09:56 ق.ط by Super

کد: ۷: استاد غلامرضا عزیزی کیا (تفسیر و علوم قرآنی)

179 Filtered Codes Colored Codes

استخراج مقوله‌های اصلی و محوری

در مرحله بعد با توجه به خانواده‌های استخراج‌شده و مرور مجدد رمزها مبتنی بر چارچوب نظرات خبرگی، الگوی نهادینه‌سازی از منظر قرآن شامل هشت مقوله اصلی به دست آمد:

مقوله اول: ماهیت و مفهوم «نهادینه‌سازی» از منظر قرآن؛

مقوله دوم: راهبرد اصلی حکومت در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
 مقوله سوم: وظایف حاکمیت در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
 مقوله چهارم: الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
 مقوله پنجم: تسهیلگرهای نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
 مقوله ششم: مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن از منظر قرآن؛
 مقوله هفتم: محتوای نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛
 مقوله هشتم: فرایند نهادینه‌سازی از منظر قرآن.

در جدول (۲) مقوله اصلی ناظر به این مقاله، یعنی «تسهیلگرهای نهادینه‌سازی در نهادینه‌سازی فرهنگ» همراه با مقوله‌های محوری آن «فرانسانی و انسانی» و رمزهای اولیه ذیل آنها نشان داده شده است:

جدول ۲: مراحل سه‌گانه رمزگذاری در قالب روش «داده‌بنیاد»

مقوله اصلی	مقوله‌های محوری	کدهای اولیه
تسهیلگرهای نهادینه‌سازی	فرانسانی	<p>وعده الهی به استقرار و تثبیت دین؛ نفی کفر و انتخاب ایمان برای بندگان از جانب خداوند؛ سست تثبیت حق و محو باطل؛ آرامش قلب مؤمن توسط خداوند؛ زینت ایمان و محبوب شدن آن در قلب توسط خداوند؛ علم خدادادی؛ مغفور شدن کفر، فسق و گناه توسط خداوند برای انسان؛ وعده خداوند بر ظهور مؤمنان واقعی؛ ولی مؤمن خدا - کافر بدون ولی.</p>
	انسانی	<p>فطری بودن دین‌طلبی؛ خردمندی (اولولالباب)؛ پایداری در علم؛ ایمان قلبی؛ بزرگ و محکم‌تر بودن دلیل نسبت به مخالفان.</p>

یافته‌های تحقق

۱. تعریف «نهادینه‌سازی» از منظر قرآن

برای تبیین مفهوم «نهادینه‌سازی» از منظر قرآن و ارائه تعریفی مشخص از آن (پاسخ به سؤال اول تحقیق) می‌توان از نتایج حاصل از پرسشنامه «آزمون خبرگی» برای شروع کار استفاده نمود. نتایج حاصل از پرسشنامه (۱) نشانگر آن است که واژه «تثبیت» از نظر خبرگان بیشترین قرابت را با مفهوم «نهادینه‌سازی» دارد. همچنان که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، شش واژه انتخابی از یک تا شش رتبه‌بندی شدند که در آن ۲۲ تن از خبرگان واژه «تثبیت» را در رتبه یک امتیازبندی قرار دادند.

جدول ۳: رتبه‌بندی‌های حاصل از پرسشنامه

رتبه‌بندی‌های حاصل از پرسشنامه							
جمع	رتبه ۶	رتبه ۵	رتبه ۴	رتبه ۳	رتبه ۲	رتبه ۱	رتبه
							مفاهیم
۳۶	۸	۳	۳	۷	۱۰	۵	تأکید
۳۶	۲	۱	۱	۴	۵	۲۲	تثبیت
۳۶	۱۷	۶	۴	۴	۳	۱	سکینه
۳۶	۸	۳	۹	۶	۹	۱	شدت
۳۶	۸	۳	۷	۴	۱۰	۴	مستقر
۳۶	۹	۷	۱	۶	۵	۷	یقین

در ادامه، همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده انجام گرفته که حاصل جمع امتیازات هریک از واژگان قابل مشاهده است. برای مثال، واژه «تثبیت» در مجموع ۱۸۰ امتیاز کسب کرد.

جدول ۴: امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده

امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده							
جمع	امتیاز ۱	امتیاز ۲	امتیاز ۳	امتیاز ۴	امتیاز ۵	امتیاز ۶	امتیاز
							مفاهیم
۱۳۱	۸	۶	۹	۲۸	۵۰	۳۰	تأکید
۱۸۰	۲	۲	۳	۱۶	۲۵	۱۳۲	تثبیت
۷۸	۱۷	۱۲	۱۲	۱۶	۱۵	۶	سکینه
۱۱۶	۸	۶	۲۷	۲۴	۴۵	۶	شدت
۱۲۵	۸	۶	۲۱	۱۶	۵۰	۲۴	مستقر
۱۱۷	۹	۱۴	۳	۲۴	۲۵	۴۲	یقین

نتایج به‌دست‌آمده نشانگر آن است که واژه «تثبیت» بالاترین امتیاز را دارد. در نتیجه «تثبیت» مفهوم کلیدی نهادهای سازای است.

فرایندی بودن نهادهای سازای نتایج حاصل از پرسشنامه (۲) آزمون خبره‌ای (مراحل اصلی و گام‌های هر مرحله از نهادهای سازای از منظر قرآن) نشانگر آن مطلب است که تمام خبرگان بر فرایندی بودن نهادهای سازای تأکید دارند.

پس تا اینجا می‌توان گفت: نهاده‌سازی از منظر قرآن «فرایندی است برای تثبیت». با پایه قرار دادن این دو مؤلفه اصلی و مراجعه به رمزهای استخراج‌شده از متن قرآن، می‌توان مؤلفه‌های دیگر تعریف را استخراج کرد. نتیجه به‌دست‌آمده از بررسی آیات درباره ماهیت نهاده‌سازی (وثوقی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷)، بیانگر آن است که نهاده‌سازی از منظر قرآن - همان‌گونه که در نمودار (۲) قابل مشاهده است - به‌صورت یک پیوستار قابل تبیین است. در این پیوستار همواره برای نهاده‌سازی ارزش‌ها باید به نقطه مقابل آن، یعنی چگونگی عملکرد رقبا و دشمنان برای نهاده‌سازی ضدازش‌ها توجه شود. به عبارت دیگر، نمی‌توان بدون توجه به عملکرد جبهه مقابل فرایند تثبیت ارزش‌ها را طی نمود. از این‌رو، می‌توان نهاده‌سازی را در قالب یک پیوستار در نظر گرفت که یک سمت پیوستار عبارت است از: نهاده‌سازی شدن ارزش‌های الهی که در قالب نهاده‌سازی شدن «ایمان» و حرکت در مدار حق قابل تصور است و سمت دیگر این پیوستار می‌تواند نهاده‌سازی شدن ارزش‌های شیطنی باشد که در قالب نهاده‌سازی شدن «کفر» و حرکت در مدار باطل قابل تصور است. این پیوستار دارای ویژگی‌های برجسته‌ای است (وثوقی‌راد، ۱۳۹۷).

با در کنار هم قرار دادن مباحث مطرح‌شده در این قسمت، می‌توان نهاده‌سازی را از منظر قرآن این‌گونه تعریف نمود: «نهاده‌سازی از منظر قرآن فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان، و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفرند».

یکی از مؤلفه‌های اصلی و اثرگذار بر موفقیت نهاده‌سازی در بعد مثبت آن عبارت است از: عوامل و شرایطی که نقش تسهیلگری را ایفا می‌نمایند، که در قالب سنت هدایت می‌گنجد.

نمودار (۲): پیوستار نهاده‌سازی



خداوند - تبارک و تعالی - در جریان هبوط آدم و همسرش به زمین در مقابل توبه حضرت آدم و حوا، سنت «هدایت» را در زمین برای آنها در نظر گرفت: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸)؛ گفتیم: همگی از آن [مرتب و مقام] فرود آید. چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، پس کسانی که از هدایتم پیروی کنند نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند.

مفسر گرانقدر علامه طباطبائی در ذیل این آیه شریفه، بعد از اشاره به فرمان اول خداوند مبنی بر خروج از بهشت و هبوط به زمین و توبه آدم می‌نویسد:

توبه‌ای که کرد موجب شد قضایی دیگر و حکمی دوم درباره او بکند و او و ذریه‌اش را بدین‌وسیله احترام نماید و با هدایت آنان به‌سوی عبودیت خود، آب از جوی رفته او را به جوی بازگرداند. پس قضایی که اول رانده شد، تنها زندگی در زمین بود، ولی با توبه‌ای که کرد، خداوند همان زندگی را

زندگی طیب و طاهری کرد، به گونه‌ای که هدایت به سوی عبودیت را با آن زندگی ترکیب نمود (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

از این جمله به خوبی اراده خداوند بر سنت هدایت در خصوص انسان استفاده می‌شود. آیات فراوانی (بیش از ۱۰۰ نقل قول) بر هدایت انسان دلالت دارند؛ از جمله: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنْنَ آلِّدِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نساء: ۲۶)؛ خداوند می‌خواهد (با این دستورها، راه‌های خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد و به سنت‌های (صحیح) پیشینیان رهبری کند، و خداوند دانا و حکیم است.

۲. تسهیلگرهای نهادینه‌سازی الهی (سنت هدایت)

چنان‌که در بیان مقولات گذشت (جدول ۲)، تسهیلگرهای نهادینه‌سازی الهی (سنت هدایت) را می‌توان در دو تقسیم‌بندی کلی، به انسانی و فراانسانی تقسیم نمود که در ادامه بیان آنها خواهد آمد:

الف. فراانسانی

تسهیلگرهای فراانسانی که ناشی از سنت‌های خاص خداوند نسبت به کسانی است که در مدار حق حرکت می‌کنند، عبارتند از:

یک. وعده الهی به استقرار و تثبیت دین

یکی از تسهیلگرهای مهم نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه فراانسانی و الهی دارد، «وعده خداوند بر استقرار و تثبیت دین خویش» است. آیاتی از قرآن وعده اکید خداوند بر استقرار و تثبیت دین مرضی خویش در تمام کره زمین را بیان می‌کنند:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» (فتح: ۲۸)؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!

این وعده‌ای است صریح و قاطع از سوی خداوند قادر متعال در رابطه با غلبه اسلام بر همه ادیان؛ یعنی اگر خداوند از طریق رؤیای پیامبر ﷺ به شما خبر پیروزی داده که با نهایت امنیت وارد مسجدالحرام می‌شوید و مراسم عمره را بجا می‌آورید بی‌آنکه کسی جرئت مزاحمت شما را داشته باشد، و نیز اگر خداوند بشارت «فتح قریب» (پیروزی خیر) را می‌دهد، تعجب نکنید. اینها اول کار است. سرانجام اسلام عالمگیر می‌شود و بر همه ادیان پیروز خواهد گشت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۲۲، ص ۱۱۰).

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید.

دو. نفی کفر و انتخاب ایمان برای بندگان از جانب خداوند

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه فراانسانی و الهی دارد، «نپسندیدن کفر و پسندیدن ایمان برای بندگان از جانب خداوند» است.

– «إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ...» (زمر: ۷)؛ اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگان نمی‌پسندد.

این آیه درصدد بیان این معناست که دعوت به سوی توحید و اخلاص دین برای خدای سبحان، از این نظر نیست که خدای تعالی محتاج است به اینکه مشرکان رو به سوی او آورند و از عبادت غیر او منصرف شوند، بلکه بدین سبب است که خدای تعالی به سعادت‌مندی ایشان عنایت و لطف دارد و ایشان را به سوی سعادتشان دعوت می‌کند... عنایت الهیه‌اش اقتضا می‌کند که کفر را برای شما نپسندد؛ چون شما بندگان او هستید؛ همچنان که اقتضا می‌کند هریک از آفریده‌هایش را به کمالی که برای آن کمال خلق شده، برساند (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۳۶۴).

سه. سنت تثبیت حق و محو باطل

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه فراانسانی و الهی دارد، سنت «تثبیت حق و محو باطل» از جانب خداوند است.

– «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱)؛ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. بی‌تردید باطل نابودشدنی است.

آیه شریفه دلالت بر این دارد که هیچ‌وقت باطل دوام نمی‌یابد؛ همچنان که در جای دیگر راجع به این معنا فرموده است:

– «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم: ۲۶) (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۲۴۴).

– «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ أَوْلِيٌّ مِمَّا نَصِفُونَ» (انبیاء: ۱۸)؛ بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد، و این‌گونه باطل محو و نابود می‌شود. اما وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می‌کنید!

– «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!

چهار. آرامش قلب مؤمن توسط خداوند

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن (۵ نقل قول) که جنبه فراانسانی و الهی دارد، «آرامش قلب مؤمن توسط خداوند» است:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدُّوْا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ...» (فتح: ۴)؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند.

ظاهراً مراد از «سکینت» آرامش و سکون نفس و ثبات و اطمینان آن به عقایدی است که به آن ایمان آورده و از این رو، علت نزول سکینت را این دانسته: «لِيَرُدُّوْا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ»؛ تا ایمانی جدید به ایمان سابق خود بیفزایند (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۸، ص ۳۸۷).

«ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (توبه: ۲۶)؛ سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید و کافران را مجازات کرد، و این است جزای کافران!

این تثبیت روح تقوا در پیامبر ﷺ و مؤمنان در ماجرای فتح حدیبیه به اراده الهی است (هاشمی رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۳۸۲).

پنج. زینت دادن ایمان و محبوب شدن آن در قلب توسط خداوند

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه فرانسسانی و الهی دارد، «زینت ایمان و محبوب شدن آن در قلب توسط خداوند» است:

«... وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ...» (حجرات: ۷)؛ ... ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است.

مضمون این آیه روشن کردن مؤمنان است به اینکه خدای سبحان ایشان را به جاده رشد انداخته و به همین سبب است که ایمان را محبوبشان کرده و در دل‌هایشان زینت داده و کفر و فسوق و عصیان را از نظرشان انداخته است (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۸، ص ۴۶۶).

شش. منفور شدن کفر، فسق و گناه توسط خداوند برای مؤمنان

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه فرانسسانی و الهی دارد، «منفور شدن کفر، فسق و گناه توسط خداوند برای مؤمنان» است.

«... وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْأَعْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات: ۷)؛ ... و (بعکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است. کسانی که دارای این صفات‌اند هدایت‌یافتگانند!

مضمون این آیه روشن کردن مؤمنان است به اینکه خدای سبحان ایشان را به جاده رشد انداخته و به همین سبب است که ایمان را محبوبشان ساخته و در دل‌هایشان زینت داده، و کفر و فسوق و عصیان را از نظرشان انداخته است (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۸، ص ۴۶۶).

هفت. وعده خداوند بر ظهور مؤمنان واقعی

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه فرانسسانی و الهی دارد، «وعده خداوند بر ظهور مؤمنان واقعی» است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائدة: ۵۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد، به خدا زبانی نمی‌رساند. خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنان در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.

اینکه فرمود: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ» و نسبت آوردن قوم را به خودش داده، برای این بود که یاری کردن از دینش را تثبیت کند؛ زیرا از سیاق کلام فهمیده می‌شد که برای این دین یاری هست و احتیاج به یاری بیگانگان ندارد و آن یاور خود خداست (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۶۲۹).

– «و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

هشت. تثبیت دین نعمت الهی

«تثبیت و نهادینه شدن ایمان» به‌طور کامل از نعمت‌های بارز خداوند – تبارک و تعالی – و از ویژگی‌های پیوستار نهادینه‌سازی الهی است. همین امر خودش انگیزه‌ای است برای حرکت به سمت نهادینه‌سازی مثبت و تقویت و تعمیق ایمان به دین در نهاد مؤمنان.

«وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَ يَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (یوسف: ۶)؛ و این‌گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می‌کند؛ همان‌گونه که پیش از این، بر پدران ابراهیم و اسحاق تمام کرد. به‌یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است.

برخی گفته‌اند: مراد از اتمام نعمت بر آل یعقوب (برادران یوسف) تثبیت آنان بر دین الهی و قرار دادن پیامبری در دست آنان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵ ص ۳۲۱؛ هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۳۳، ص ۳۵۳).

ب. انسانی

تسهیلگرهای انسانی که ناشی از سنت‌های خاص خداوند نسبت به کسانی است که در مدار حق حرکت می‌کنند، عبارتند از:

یکم. فطری بودن دین‌طلبی

یکی از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه انسانی دارد «فطری بودن دین‌طلبی» است. درست است

که فطری بودن دین‌طلبی و دبعه‌ای است که خداوند در نهاد انسان قرار داده و چه‌بسا در نگاه اول چنین به نظر بیاید که بهتر است این عامل را در بخش تسهیلگرهای فرانسائی قرار دهیم، منتها چون حرکت اصلی به سمت این عامل فطری خود انسان است، آن را در بعد انسانی آورده‌ایم.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» (روم: ۳۰)؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است.

کلمه «فطرت» بر وزن «فعلت» - به اصطلاح اهل ادب - بنای نوع را می‌رساند و در کلمه مورد بحث به معنای نوعی از خلقت است، و «فِطْرَةَ اللَّهِ» به نصب خوانده می‌شود؛ چون در مقام واداری شنونده است و چنین معنا می‌دهد که ملازم فطرت باش و بنابراین در جمله مزبور اشاره است به اینکه این دینی که گفتیم واجب است برای او اقامه وجه کنی، همان دینی است که خلقت بدان دعوت، و فطرت الهی به سویش هدایت می‌کند؛ آن فطرتی که تبدیل‌پذیر نیست (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶، ص ۲۶۷).

«وَ مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولُ يُدْعُوكُمْ لِيَتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (حدید: ۸)؛ چرا به خدا ایمان نمی‌آورید، درحالی که رسول (او) شما را می‌خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد)، اگر ایمان آورده‌اید.

دوم. عقلایی بودن پیروی از حق

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه انسانی دارد، «عقلایی بودن پیروی از حق» است: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸)؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند.

از این جمله استفاده می‌شود که «عقل» عبارت است از: نیرویی که با آن به‌سوی حق راه یافته می‌شود، و نشان داشتن عقل پیروی از حق است. در تفسیر آیه «وَ مَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» نیز استفاده می‌شود که «سفیه» کسی است که از دین خدا پیروی نکند. در نتیجه عاقل کسی است که از دین خدا پیروی نماید (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۳۸۱).

«هُدًى وَ ذِكْرٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (غافر: ۵۴)؛ کتابی که مایه هدایت و تذکر برای صاحبان عقل است.

سوم. پایداران در علم (مطابقت دین با شناخت قبلی)

یکی دیگر از تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن که جنبه انسانی دارد، «مطابقت دین با شناخت قبلی پایداران در علم» است:

«لَكِن الرَّاٰسِخُوْنَ فِى الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمَقِيمِينَ صَلَاةً وَ الْمُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۱۶۲)؛ ولی

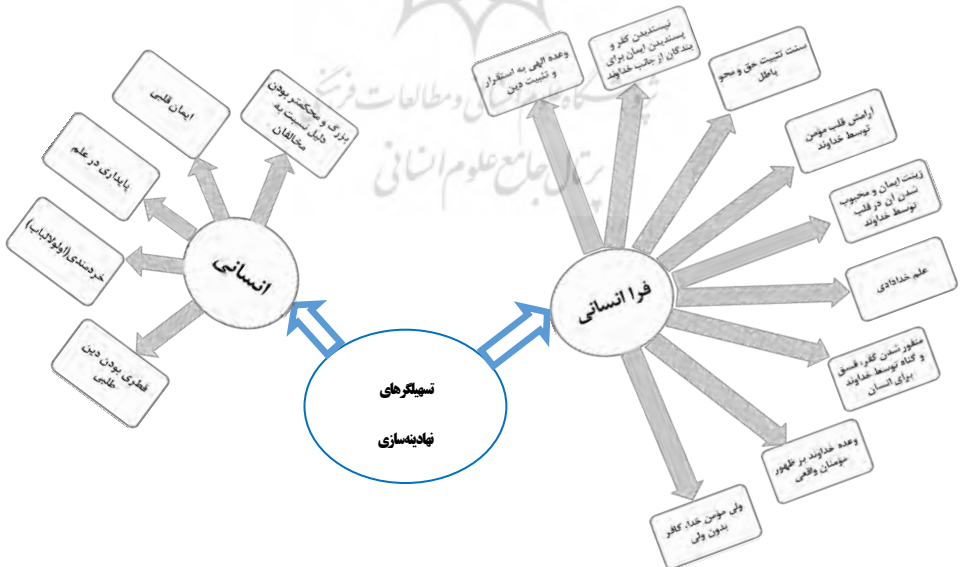
راسخاں در علم از آنها و مؤمنان (از امت اسلام) به تمام آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت به زودی به همه آنان را پاداش عظیمی خواهیم داد.

علامه طباطبائی در این زمینه می نویسد: از میان اهل کتاب «راسخاں در علم» به سبب علم به اینکه وحی به پیامبر اکرم ﷺ با وحی به انبیای پیشین فرقی ندارد، به آن حضرت ایمان می آورند (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۵ ص ۲۲۸).
 - «أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (رعد: ۱۹)؛ آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می شوند.

خرده الگوهای تسهیلگرها

با توجه به مطالب ارائه شده در باب تسهیلگرهای نهادینه سازی، ریزالگوی تسهیلگرهای نهادینه سازی که خود بخشی از الگوی نهایی نهادینه سازی فرهنگ از منظر قرآن است، در قالب نمودار (۳) قابل مشاهده است که در آن تسهیلگرها در دو بخش «انسانی» و «فرا انسانی» بر فرایند و بر دیگر مؤلفه های اصلی الگوی نهادینه سازی تأثیرگذارند. در این الگو تمام کارگزاران و مستخدمان سازمان های خرد و کلان در سطوح گوناگون حاکمیتی می توانند با توکل به خدا، خود را در مسیر حرکت در راه حق و تثبیت ارزش ها و رفتارهای ملهم از این ارزش ها قرار دهند.

نمودار ۳: ریزالگوی تسهیلگرهای نهادینه سازی



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یکی از نتایج این تحقیق تفاوت مفهوم «نهادینه‌سازی» بین نگاه قرآن و یافته‌های علمی است. مفهوم «نهادینه‌سازی» اشاره به فرایندی دارد که کارگزاران از آن فرایند برای تثبیت و تعمیق ارزش‌های مدنظر خودشان اقدام می‌کنند. اما از نگاه قرآن فرایند نهادینه‌سازی در یک پیوستار مشاهده می‌شود و دارای بعد مثبت و منفی است. به عبارت دیگر، از منظر قرآن، نهادینه‌سازی فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان، و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند. کارگزاران و مدیران اداره سازمان‌های خرد و کلان (خصوصی و دولتی) باید همواره به این نکته اساسی توجه داشته باشند که در کدام سمت پیوستار حرکت می‌کنند. همچنان که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود، الگوی قرآنی نهادینه‌سازی دارای ویژگی‌های برجسته‌ای است به شرح ذیل:

الف. الگوی نهادینه‌سازی در مرکز خود دارای یک پیوستار است. در پیوستار نهادینه‌سازی از منظر قرآن بُعد مثبت را می‌توان در چهار مرتبه دیانت (مسلمانان، مؤمنان، محسنین و معصومان) در نظر گرفت که سیر صعودی دارند و کارگزاران نهادینه‌سازی - همچنان که در الگو قابل مشاهده است - در سه مرتبه اول سعی می‌کنند با تثبیت الزامات مربوط به آن (اجزای اصلی فرهنگ مطلوب اسلامی) مقدمات ارتقای سطح دیانت به مراتب بالاتر را فراهم کنند. همچنین می‌کوشند مخاطبان غیرمسلمان را به درجات بالاتر هدایت نمایند تا وارد سیر صعودی شده، مراتب را تا رسیدن به قرب الهی ادامه دهند. در صورتی که کارگزاران وظایف خود را در فرایند نهادینه‌سازی انجام دهند و در جهت نهادینه‌سازی مثبت حرکت کنند، کمک‌ها و امدادهای الهی در قالب سنت هدایت به‌عنوان تسهیلگرهای نهادینه‌سازی، در دو سطح فرانسائی و انسانی نصیبشان خواهد شد.

ب. همان‌گونه که در نمودار مشهود است، در این پیوستار سنت هدایت جریان دارد. سنت هدایت یا همان تسهیلگرهای نهادینه‌سازی به موفقیت فرایند و رسیدن آن به هدف، کمک شایانی می‌کنند. ویژگی مهم سنت هدایت در این الگو، ایجاد امید و پایداری در کارگزاران و مخاطبان نهادینه‌سازی است؛ زیرا آنها خود را تحت حمایت خالق هستی با سنت‌های بی‌بدیلی می‌دانند.

پیشنهادها

پیشنهادهای اساسی این تحقیق فراروی پژوهشگران عرصه مدیریت اسلامی عبارت است از:

۱. برای تکمیل کار این موضوع با توجه به منابع روایی نیز تحقیق و بررسی صورت گیرد.
۲. این موضوع با استفاده از مطالعات تاریخی در سیره حکومتی پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان علیؓ بررسی گردد.
۳. با در نظر گرفتن اقتضانات نظام جمهوری اسلامی ایران این موضوع در پژوهشی جدید برای پیاده کردن در حکومت جمهوری اسلامی ارزیابی شود.

منابع

- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۶ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 قلی‌پور، آریں، ۱۳۸۴، *نهادها و سازمانها (اکولوژی نهادی سازمانها)*، تهران، سمت.
 کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷، *نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما)*، قم، دانشگاه قم.
 طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدآقا موسوی کلانتری و رضا ستوده، تهران، فراهانی.
 کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۵، *نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما)*، قم: انتشارات دانشگاه قم
 مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۰، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۶، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.⊞
 وثوقی‌راد، وحید، ۱۳۹۷، *طراحی و تبیین الگوی قرآنی نهادهای فرهنگی سازمانی از منظر قرآن*، رساله دکتری مدیریت رفتار، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.⊞
 وثوقی‌راد، وحید و همکاران، ۱۳۹۷، «ماهیت و مفهوم نهادهای فرهنگی از منظر قرآن»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال هفتم، ش ۲ (۱۷)، ص ۸۲-۶۱.
 وثوقی‌راد، وحید و ولی‌الله نقی‌پورفر، ۱۴۰۰، «مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن در نهادهای فرهنگی از منظر قرآن»، *معرفت فرهنگی/اجتماعی*، سال دوازدهم، ش ۳ (۴۷)، ص ۸۳-۶۳.
 _____، ۱۴۰۱ الف، «راهبرد اصلی حاکمیت در نهادهای فرهنگی از منظر قرآن»، *راهبرد فرهنگی/اجتماعی*، دوره یازدهم، ش ۴۲، ص ۱۶۵-۲۰۶.
 وثوقی‌راد، وحید و همکاران، ۱۴۰۱ ب، «الزامات نهادهای فرهنگی از منظر قرآن»، *مدیریت فرهنگی سازمانی*، ش ۶۳، ص ۱۴۳-۱۶۴.
 هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران، ۱۳۸۳، *فرهنگ قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- Berger, P. L. & Luckmann, T., 1991, *The Social Construction of Reality, A Treatise in the Sociology of Knowledge*, Penguin Adult.
- Hertzler, J. O, 1961, *American social institutions: a sociological analysis*, Allyn and Bacon.
- Hughes, Everett C., 1939, "Institutions", in Robert E Park (ed.), *An Outline of the Principles of Sociology*, New York, Barnes & Noble.
- Lawrence, Thomas B, Winn, Monika I, & Jennings, P Devereaux, 2001, "The temporal dynamics of institutionalization", *Academy of Management Review*, N. 26(4), p. 624-644.
- Meyer, J.W & Rowan, Brian, 1977, "Institutionalized Organizations: Formal Structure as Myth and Ceremony", *American Journal of Sociology*, N. 83(2), p. 340-363.
- Meyer, J.W. & Scott, W. R, 1983, *Organizational environments: ritual and rationality*, India, SAGE Publications.
- Perrow, C., 1986, *Complex Organizations: A Critical Essay*, McGraw-Hill Companies, Incorporated.
- Scott, W. Richard, 1987, "The Adolescence of Institutional Theory", *Administrative Science Quarterly*, N. 32(4), p. 493-511.
- _____ , 2009, "The Adolescence of Institutional Theory", in H. L. Tosi (ed.), *Theories of Organization*, SAGE, Publications.
- Selznick, P., 1957, *Leadership in administration; a sociological interpretation*, Evanston, Ill. Row.
- Wuthnow, R, 1984, *Cultural analysis: the work of Peter L. Berger, Mary Douglas, Michel Foucault, and Jürgen Habermas*, Routledge & Kegan Paul.
- Zucker, Lynne G, 1988, (ed.), *Institutional patterns and organizations: Culture and environment*, Boston, Ballinger Press.